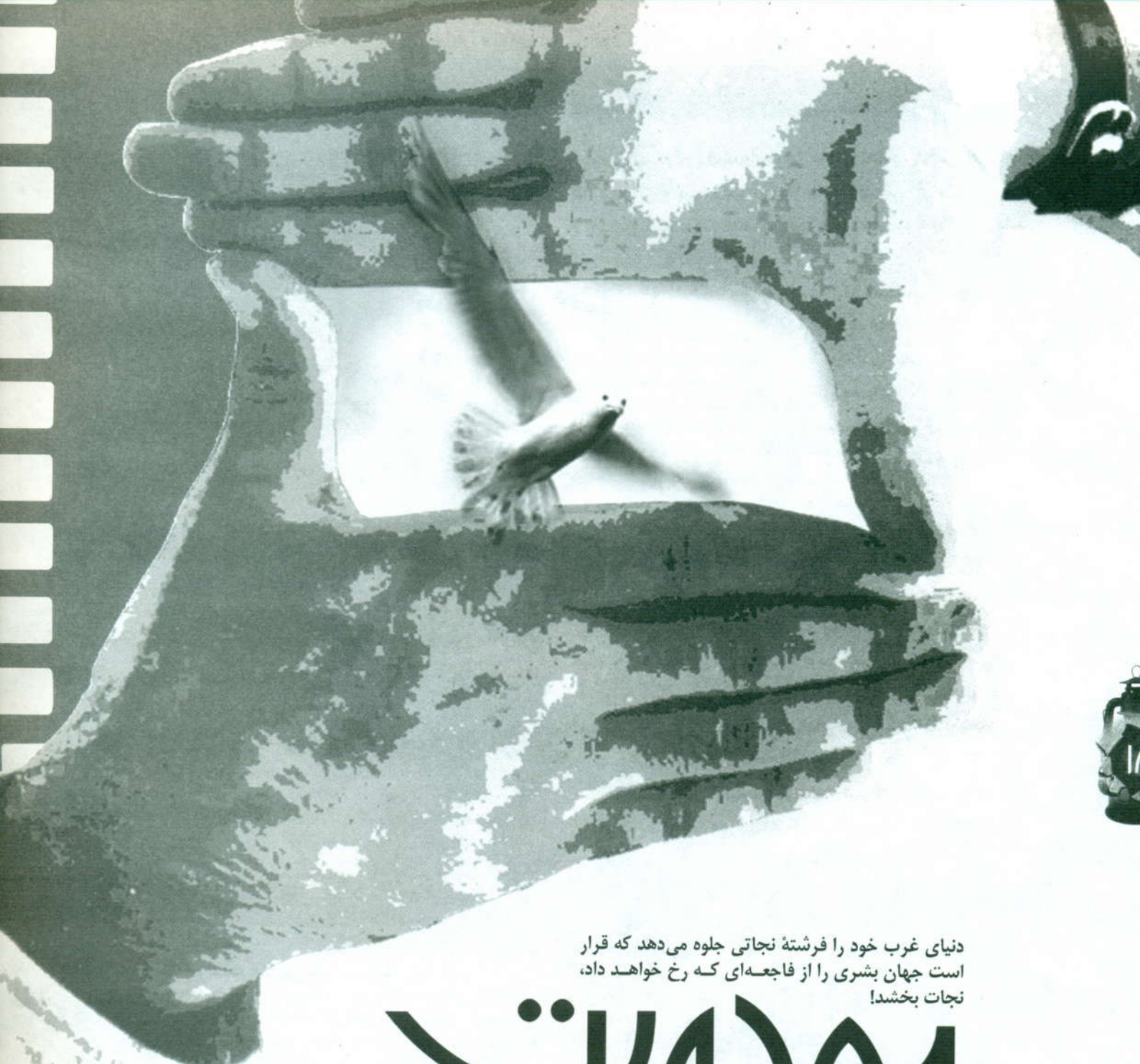




دنیای غرب خود را فرشته نجاتی جلوه می دهد که قرار
است جهان بشری را از فاجعه ای که رخ خواهد داد،
نجات بخشد!

بهدویت در سببهای غرب

محسن کرمی

آینده جهان و این که جهان به چه سمت و سویی در حرکت است و آیا ظلم و ستم در جهان پایان می یابد و عدالت در جهان گسترده می شود، یا چنین اتفاقی هرگز رخ نخواهد داد، از پرسش هایی است که همه مردم از قدیم به آن فکر می کرده اند و می کنند. قرآن کریم ما را به ظهور یک منجی و نجات دهنده بشارت داد است: یکی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد جهان را از ظلم و بیداد پاک می نماید و حکومت عدل اسلامی در جهان فراگیر می شود. مفهوم انتظار که در فرهنگ شیعه جایگاه ویژه ای برای خود با کرده، باعث شده است همه جریان ها و اتفاقات مهم سیاسی اجتماعی شیعیان، رنگ و بوی «انتظار» داشته باشد و انتظار در این فرهنگ، مفهومی است که باعث می شود انسان، ظلم و ستم نپذیرد و در مقابل آن بایستد.

سینما غولی است با ظاهری آراسته و دارای جاذبه های متنوع متعدد. این غول که گاه پنجه های خود را در دستکشی ظریف زیبا مخفی می دارد، می تواند بر ذهن و روح آدمیان چنگ بیندازد. ذهن ما را از اطلاعات پر کند و یا اطلاعاتی را از آن بیرون بکشد. سینما در قلب ها و روح ها نیز می تواند تأثیر بگذارد. همه توانایی سینما در قدرت تصویر نهفته است. تصویر یعنی آن چه دید می شود. در سینما می توان واقعیت ها را نشان داد و دیگران را به

اگر تلویزیون و سینما می تواند افکار مردم را تغییر دهد و غرب از آن بهره می برد تا خرافات و افکار پلید خود را به عنوان حقیقت در بین مردم جهان رواج دهد، ما چگونه باید در مقابل آن ها بایستیم؟ به نظر می رسد یکی از بهترین راه های مقابله با آن ها، ساخت فیلم هایی جذاب است که در آن ها واقعیت ها به نمایش در آیند

اولین عید

محمد بهمنی

آخرین روزهای ماه رجب در هوای گرم تیرماه، سپری می‌شد. در هر کوچه و محله‌ای صحبت از رسیدن ماه شعبان بود و جشن‌هایش. بزرگ‌ترها گرچه دل شکسته اما منتظر، در فکر بساط جشن‌های شعبانیه بودند و کوچک‌ترها هر روز قلک‌هایشان را به دست می‌گرفتند، مدتی نگاهش می‌کردند و به آن وعده می‌دادند که بالاخره ماه شعبان هم آمد. در کنار این همه امید، هر روز خبری از شهادت چند نفر از دوستان و آشنایان از گوشه و کنار می‌رسید.

شهر و روستا، کوچه و محله، بازار و خیابان، پر از خبرهای تلخ و شیرین آخرین ماه‌های مقاومت بود.

«آن‌شاءالله آقایمان بیاید، همه چیز درست خواهد شد». این سخنی بود که فراوان شنیده می‌شد، اما باز این بچه‌ها بودند که فارغ از تمام هیاهوها، در انتظار رسیدن نیمه شعبان روزشماری می‌کردند، ولی هر بار که از خانه بیرون می‌آمدند تا با هم‌سالان خود بازی کنند، عکس شهیدی دیگر بر دیوارهای محله خودنمایی می‌کرد. تا نیمه شعبان یک هفته بیشتر نمانده بود. بچه‌ها در کوچه مشغول بازی بودند و چند نفر از بزرگ‌ترها در کنار بغالی سر محل به گفت‌وگو مشغول بودند. کسی از راه رسید و چیزی گفت و رفت. یکی از بزرگ‌ترها گفت: حق با اقا است. عیدی برایمان باقی نمانده است.

بچه‌ها دست از بازی کشیدند. آخر صحبت از عید بود، همان چیزی که مدت‌ها منتظرش بودند، ولی چیزی دستگیرشان نشد.

بچه‌ها کم‌کم به خانه‌هایشان رفتند. مادرها تمام پارچه‌های رنگی که برای جشن آماده کرده بودند به صندوقچه برگردانده بودند. می‌گفتند آقا فرموده‌اند که امسال عید نداریم.

تقریباً در خانه همه بچه‌ها کاغذهایی بود که در آن نوشته شده بود: امسال عید نداریم. رژیم برای ما عید باقی نگذاشته است. امام زمان هم از آن‌چه بر سر مسلمانان آورده‌اند، محزون هستند. آخر برگه‌ها هم امضایی بود که بچه‌ها بارها آن را دیده بودند: روح‌الله الموسوی الخمینی.

چند ماه بعد بچه‌ها قلک‌هایشان را شکستند و هر کدام چند شاخه گل خریدند و به استقبال امام خمینی به بهشت زهرا رفتند.

تقریباً در خانه همه بچه‌ها کاغذهایی بود که در آن نوشته شده بود:

امسال عید نداریم. رژیم برای ما عید باقی

نگذاشته است. امام زمان هم از آن‌چه بر سر

مسلمانان آورده‌اند، محزون هستند.

آخر برگه‌ها هم امضایی بود که بچه‌ها بارها آن را

دیده بودند: روح‌الله الموسوی الخمینی

آنان در بسیاری از فیلم‌های خود سعی می‌کنند به مردم القا کنند که یک فاجعه عظیم، جهان بشری را تهدید می‌کند و اتفاق و جنگ بزرگی به زودی رخ خواهد داد و خیر و شر در مقابل یک‌دیگر می‌ایستند و چون مردم جهان قدرت مقابله با شر را ندارند، به آمریکایی‌ها پناه می‌آورند و آمریکایی‌ها بخصوص یهودیان با شجاعت، خود را به خطر می‌اندازند تا فرشته نجات جهان بشری شوند

آن‌ها آشنا ساخت و هم می‌توان هر واقعیتی را به صورت وارونه منعکس کرد. از زمانی که فیلم و سینما اختراع شد، قدرت‌های بزرگ جهان به این فکر افتادند که می‌توانند از این تکنولوژی برای منافع خود استفاده کنند. آنان با سرمایه‌گذاری کلان و گسترده کوشیده‌اند، خود را صاحب برترین قدرت سینمایی سازند تا بتوانند آن‌چه می‌خواهند به جهان دیکته کنند و اهداف خود را در جهان پیش برند. یکی از اهداف اصلی جهان غرب، بخصوص آمریکا این است که خود را آقای جهان معرفی کنند تا بر جهان حاکم شوند. آنان این هدف را با تبلیغ این که آنان نجات‌دهنده جهان هستند دنبال می‌کنند.

ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه یکی از خطراتی است که آنان در پیش روی خود می‌بینند. فردی که با قیام خود، ظلم و ستم را نابود می‌سازد. آنان به شکلی خود را با این اتفاق بزرگ روبه‌رو می‌بینند و از این رو به مقابله با آن برخاسته‌اند. یکی از برنامه‌های آنان برای مقابله با اسلام و ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، این است که با سینما، چهره آن امام را مخدوش کنند. آنان در بسیاری از فیلم‌های خود سعی می‌کنند به مردم القا کنند که یک فاجعه عظیم، جهان بشری را تهدید می‌کند و اتفاق و جنگ بزرگی به زودی رخ خواهد داد و خیر و شر در مقابل یک‌دیگر می‌ایستند و چون مردم جهان قدرت مقابله با شر را ندارند، به آمریکایی‌ها پناه می‌آورند و آمریکایی‌ها بخصوص یهودیان با شجاعت، خود را به خطر می‌اندازند تا فرشته نجات جهان بشری شوند.

این تلاش در فیلم‌هایی نظیر «نوسترا داموس»، «آرماگدون» و «روز استقلال» دنبال می‌شود. در فیلم نوسترا داموس که بر اساس پیشگویی فردی به نام «میشل نوسترا داموس» در رابطه با ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه ساخته شده، سعی کرده‌اند آن امام را فردی عرب، با چهره‌ای خشن نشان دهند که با فشار یک کلید، موشک‌های اتمی را به سوی اروپا و آمریکا می‌فرستد. هدف از ساخت این نوع فیلم‌ها، این است که ملت‌های آمریکا و اروپا، علیه ایران و مسلمانان بسیج شوند تا به خیال آنان، انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه تحقق نیابد و ابرقدرتی آنان پابرجا بماند.

اهداف شومی که جهان غرب، بخصوص صهیونیست‌ها با مهارت و جدیت دنبال می‌کنند، ما را به این فکر و می‌دارد که ما چه وظیفه‌ای در قبال امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و تبلیغات وسیع دشمنان ایشان داریم و آیا به وظایف خود عمل نموده‌ایم؟

اگر تلویزیون و سینما می‌تواند افکار مردم را تغییر دهد و غرب از آن بهره می‌برد تا خرافات و افکار پلید خود را به عنوان حقیقت در بین مردم جهان رواج دهد، ما چگونه باید در مقابل آن‌ها بایستیم؟ به نظر می‌رسد یکی از بهترین راه‌های مقابله با آن‌ها، ساخت فیلم‌هایی جذاب است که در آن‌ها واقعیت‌ها به نمایش در آیند.

با نمایش واقعیت‌ها به صورت هنرمندانه، همه تلاش‌های غرب علیه موضوع مهدویت، مانند قالب یخی در آفتاب گرم و سوزان آب می‌شود.

امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه یک حقیقت زنده است، یک حقیقت نجات‌بخش. اگر مردم جهان او را به خوبی بشناسند، به او عشق می‌ورزند و از جان و دل او را می‌پذیرند.